

#### یادداشت مذهبی

## عدالتش حدی نداشت



سیدمهدی حسینی دورود

کارشناس دینی

علی چون برای عدالت حدی قائل نبود حکومتش و جانش را فدای عدالت کرد. چون برای عدالت حدی قائل نبود به قاضی اعتراض کرد؛ چرا او را محترمانه‌تر از طرف مقابل صدا زده است؟ چون برای عدالت حدی قائل نبود، هم به محکمه رفت، هم به قاضی اخطار داد که بین او و دیگری فرق نگذارد. اکنون که به سالروز ولادت امیرالمومنین حضرت علی علیه‌السلام نزدیک می‌شویم و در حالی که قرن‌ها است این انسان بی‌مانند رخ در نقاب خاک کشیده، اما همچنان در میان متفکران عالم و جهان اسلام خاصه در بین شیعیان، به‌عنوان یک شخصیت متعالی و رهبر ایده‌آل محبوبیت و مقبولیت استثنایی خود را دارد. ناگفته پیداست که هیچ رهبر و هیچ حاکمی صرف استعمال عدالت و تظاهر به زهد و انسانیت، عادل تلقی نمی‌شود اما در روزگاری و در ۱۴۰۰ سال پیش که چهل و استضعاف لباس اجتماع شده بود دغل‌بازان و چپاولگران حاکم با تظاهر به عدالت، نماد عدالت قلمداد می‌شدند. روشن است که این قماش از مکاران، عموماً دل خوشی از دین و دیانت و عدالت علوی نداشتند و اساساً یا آن سر ناساگاری داشتند. اگرچه نگارنده براین باور است که عدالت با شهادت علی زیر خروارها خاک دفن شد و تنها با ظهور یازدهمین فرزندش احیا خواهد شد اما علی ما را به بازخوانی انتقادی سیره حاکمان در طول تاریخ و در هر دوره‌ای فرا می‌خواند و ما را به آسیب‌های عدالت احیاننده تذکار می‌دهد. با این همه جست‌وجوی بن‌مایه تفکر امام علی در مواجهه با بی‌عدالتی و مکاران مردم‌فریب و دین‌فروشان می‌تواند و باید برای یک ارزیاب حقیقت‌جوی منتقد و مطالبه‌گر همچنان به عنوان پروژه‌ای ناتمام تلقی شود. طبایع بت‌پرستی که در طول تاریخ از حاکمان بت می‌ساختند و شخصیت‌پرستی را رواج می‌دادند به جهت تعلقات خویش کمتر عدالت‌پیشگان را به رسمیت می‌شناختند و معمولاً با مخالفان فکری خود در تضاد بوده و در صف دشمنان عدالت و حقیقت‌پرستانه‌اند.

علاوه بر این امیرالمؤمنین در زمانی می‌زیست که سه گروه در برابرش ایستادند و بر او شمشیر کشیدند. نخست قاسطین که معاویه‌پیروانش بودند. قاسطی‌عنی ستمگر یعنی ضد عدل...! برخلاف علی که بسیار سخت‌گیر بود و اهل ریخت و پاش نبود و عرصه را بر مفت‌خوران و زیاده‌خواهان تنگ کرده بود، معاویه پول خرج می‌کرد و عده‌ای را گرد خود جمع کرده بود. بودند بسیاری که سراغ علی می‌رفتند چون علی حاضر نمی‌شد از عدالش قدمی دور شود، نومیدانه از او دست می‌کشیدند و سر از خانه معاویه در می‌آوردند و معاویه کارمروایشان می‌کرد. معاویه شکم‌ها را به حرام سیر می‌کرد و از آنها می‌خواست برایش خلق را بدرند و غارت کنند و آنها هر آنچه‌می‌گفت برایش انجام می‌دادند.

قاسطین رویه‌ای کاملاً متضاد با عدالت علی داشتند. برخلاف علی که می‌خواست همه سیر شوند و هیچ کس گرسنه و فقیر نماند. معاویه به سیری گرسنگان و رنج فقیران اهمیتی نمی‌داد و تنها به‌دنبال جذب هواداران سینه‌چاک خود و خلوت کردن اطراف علی بود. دوم ناگفتین بودند؛ کسانی که عادت کرده بودند بیش از دیگران سهمیه داشته باشند و علی سهمیه اضافه آنها را قطع کرده بود؛ زن پیامبر باشد یا صاحبی خاص، جبهه‌رفته باشد یا نرفته باشد...! از نظر علی همه برابر بودند. ناگفتین این برابری را برنتافتند و خواهان آن بودند که علی برای آنها تبعیض قائل شود.

سومین گروه مارقین بودند؛ خشکه مقدس‌هایی که اسباب دست معاویه شدند. مارقین قرآن به صوت خوش می‌خواندند و از کثرت سجده داغ بر پیشانی داشتند. مارقین آنچنان احساس می‌کردند مسلمانند که غیر از خود را اکافر می‌دانستند. مارقین اهل مسجد و روزه‌داری بودند. معاویه به‌واسطه همین خشک مغز‌های ابله و خشکه مقدس‌های نادان کارمروا شد و علی را از سر راه خود برداشت. معاویه خود جرأت حذف علی را نداشت و نمی‌توانست علی را به شهادت برساند. معاویه را بی‌نمازها کارمروا و خوشحال نکردند، پیشانی‌های پینه‌دار کارمروایش کردند. معاویه را سجدی‌ها و قرآن‌خوان‌هایی کارمروا کردند و علی را کسانی شهید کردند که از شبت تا صبح ناله می‌خواندند. نکته دیگر تبیین و توضیح درست مفهوم عدالت و القای آن در ذهن مخاطب است که در رفتار امیرالمؤمنین و نگاه او نسبت به‌توده اجتماع تجلی می‌کند. در واقع چون «توده‌های اجتماع» و مردم و حتی فراتر از آن، «انسانیت»، اندیشه محوری و دغدغه بنیادی اندیشه امیرالمؤمنین است. او انسان را در جمع می‌بیند از این رو هم دغدغه اجرای عدالت و هم دغدغه تفهیم عدالت و هم دغدغه تغییر جامعه به سمت عدالت را دارد. جامعه حق‌پذیر و نه حق‌گریز...!

به‌همین خاطر هیچ حدی برای عدالت قائل نیست زیرا عدالت خودش حد است و عدالتی که حد دارد اساساً عدالت نیست. عدالتی که حد دارد، یعنی عدالتی که حق ندارد تا جایی جلو بیاید که من و تو و گروه و... را مانند بقیه مردم بداند. علی چون برای عدالت حدی قائل نبود حکومتش و جانش را فدای عدالت کرد.

چون برای عدالت حدی قائل نبود به قاضی اعتراض کرد؛ چرا او را محترمانه‌تر از طرف مقابل صدا زده است؟ چون برای عدالت حدی قائل نبود، هم به محکمه رفت، هم به قاضی اخطار داد که بین او و دیگری فرق نگذارد. او حتی یک‌درهم از بیت‌المال، اضافه بر حق، به برادر عیال‌وارش نداد، برای این که برای عدالت حدی قائل نبود. کسی که سهمش از انبوه ثروتی که وارد بیت‌المال می‌شد کفشی پاره و صد وصله و نان جوی خشک و لباسی کپنه بود، برای عدالت حدی قائل نبود. برخلاف علی اما این معاویه بود که برای عدالت حد و مرز تعیین می‌کرد.

همانطور که از طرف ایران این حرف‌ها مطرح می‌شود. الان هم اصل جنگ منتفی نیست. اگر اتفاقاتی بیفتد و اسرائیل از آن‌ها بخواهد، دوباره ممکن است اتفاقاتی رخ دهد. اما یک نکته وجود دارد و آن هم صحبت‌هایی است که گاهی می‌شنویم مبنی بر تماس‌هایی که وجود دارد و امکان دارد که گفت‌وگو‌هایی شکل بگیرد. ما در داخل ایران خبر نداریم اما اگر چنین چیزی وجود دارد، خوب است که درست و مستقیم صحبت کنند تا شاید این وضعیت حل شود. چون جامعه ایران واقعاً از این شرایط خسته است.» مجلسی تأکید کرد: «اینکه گفته شد اگر ایران حمله نمی‌کند، ما هم حمله نمی‌کنیم می‌تواند از یک طرف درست باشد. چون قبلاً هم به همین صورت بود. اما اگر ایران هم بخواهد ادامه دهد، آن وقت می‌تواند دوباره اتفاقاتی رخ دهد. اما من معتقدم و باز می‌گویم که هر دو طرف نیاز به این دارند که زندگی و اقتصاد و شرایط مردم‌شان به روال عادی برگردد. اگر صحبت‌ها را به این شکل معنی کنیم شما (ایران) ننزید، من هم نمی‌زنم، چنین شرایطی نیاز به ضمانت دارد و این تضامین باید بین ایران و آمریکا عملی شود.»

این کارشناس سیاست خارجی ادامه داد: «اگر این شرایط برقرار شود، در منطقه هم از آن استقبال می‌کنند. شما را ارجاع می‌دهم به صحبت‌های اخیر نخست‌وزیر عراق که از میانجی‌گری میان ایران و آمریکا صحبت کرد. عراق هم نیاز به صلح دارد و می‌داند اگر جنگی بین ایران و اسرائیل درگیرد، این کشور هم به دلایلی درگیر می‌شود و ضربه می‌بیند. اگر جمهوری اسلامی بپذیرد و از آن طریق وارد مذاکره مستقیم شود، می‌توان این شرایط را برای ایران و منطقه تغییر داد. بالاخره ایران هم درگیر مسائل خود است و حتی نتوانستیم از سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام داده بودیم در این جنگ حفاظت کنیم. شاید جنگ بعدی به خصوص در حوزه زیرساخت‌ها برای ایران سنگین تر باشد. همانطور که برای طرف مقابل هم هزینه‌هایی دارد. ما باید کشورمان را حفظ کنیم.»

#### ▼ باید مراقب سیاست بحران‌سازی نتانیاهو باشیم

**محسن پاک‌آیین، سفیر پیشین ایران در جمهوری آذربایجان** نیز درباره اظهارات نتانیاهو و سفرش به آمریکا، به هم‌میهن گفت: «ابتدا درباره تهدیدهایی که علیه ایران در اظهارات ترامپ و نتانیاهو مطرح شد بگویم که این امری طبیعی و مسبوق به سابقه است. وقتی ترامپ و نتانیاهو با هم دیدار می‌کنند، یکی از محورهای گفت‌وگوی آن‌ها، تهدید ایران است. ترامپ برای اینکه خودش را حامی رژیم صهیونیستی نشان بدهد، به‌طور طبیعی در مقابل نتانیاهو، در عین حمایت از این رژیم، ایران را هم تهدید می‌کند. نتانیاهو هم برای اینکه ضعف داخلی خودش را پوشش بدهد و افکار عمومی را از مشکلات جدی‌ای که در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، افکار عمومی بین‌المللی و داخلی دارد منحرف کند، سعی می‌کند با زبان تهدید صحبت کند و ایران را تهدید کند. نه می‌توان به تهدیدهای نتانیاهو خیلی اعتنا کرد و نه می‌توان نسبت به آن عبارتی که گفته ما فعلاً قصد حمله نداریم بی‌توجه بود. نتانیاهو در واقع ملغمه‌ای از فریب و ریاکاری است. ما در عین حالی که باید آمادگی خودمان را برای هرگونه تهاجم یا تجاوز داشته باشیم، در عین حال باید تحولات این سفر را هم رصد کنیم.»

این کارشناس سیاست خارجی ادامه داد: «معتقدم نتانیاهو در حال حاضر در موضعی نیست که بخواهد دوباره وارد یک جنگ، آن هم با جمهوری اسلامی ایران بشود؛ به دلیل گرفتاری‌هایی که به‌طور جدی در غزه دارد، به دلیل نقض مکرر آتش‌بس و جلوگیری از ورود کمک‌های انسانی که باعث شده تحت فشار بین‌المللی و افکار عمومی جهان قرار بگیرد. همچنین به دلیل اقداماتی که اخیراً انجام داده، از جمله بحث بررسمیت شناختن سومالی‌لند که موضوعی کاملاً مغایر با حاکمیت ملی و تمامیت ارضی سومالی و مغایر با موازین بین‌المللی است. به دلیل این مسائل، قاعداً اگر عاقلانه فکر کند، نباید به دنبال این باشد که وارد جنگ دیگری شود. در حالی که الان در لبنان، سوریه و یمن هم گرفتار است. با این حال، ما باید آمادگی کامل خودمان را داشته باشیم، چون یکی از خصوصیات نتانیاهو این است که برای خروج از بحران‌هایش، بحران جدیدی ایجاد کند.»

پاک‌آیین درباره روابط نتانیاهو و ترامپ به این موضوع اشاره کرد که مسئله طرح صلح غزه در حال حاضر محور اصلی گفت‌وگوهای آن‌هاست و تأکید کرد: «اگر چه آن‌ها صراحتاً اعلام نکردند، اما به نظر می‌رسد ترامپ از رویکرد نتانیاهو در غزه، نقض آتش‌بس و عدم ورود به مر حله دوم، راضی نیست. به نظر می‌رسد اصلاحاتی هم در طرح انجام داده‌اند؛ برای مثال، موضوع خلع سلاح حماس را به آینده‌ای نامشخص موکول کرده‌اند و ایده‌ای که قبلاً درباره حاکم شدن یک گروه چندملیتی با حضور آمریکا و کشورهای اروپایی و منطقه‌ای بر غزه داشتند را کنار گذاشته‌اند. حالا صحبت از این است که ۱۲ گروه تک‌نوکرات فلسطینی ببینند و غزه را مدیریت کنند؛ یعنی موضوع را فلسطینی کرده‌اند و از دخالت کشورهای فرامنطقه‌ای عقب‌نشینی کرده‌اند. این‌ها نشان‌دهنده این است که ترامپ می‌خواهد طرح خودش را جلو ببرد و مانع اصلی را هم در حال حاضر نه حماس، بلکه اسرائیل می‌بیند. به‌نظم در این دیدار، به‌رغم تبلیغات بیرونی، نتانیاهو مورد سرزنش قرار گرفته است.» او اظهار داشت: «نکته دیگر این است که به‌رغم اینکه نتانیاهو طوری عمل می‌کند که در ایران فضای نه جنگ و نه صلح باقی و کشور در حالت انتظار بماند که آیا جنگ می‌شود یا نمی‌شود، خود رژیم صهیونیستی هم به دلیل احتمال حملات حزب‌الله یا احتمال حملات مجید در سوی غزه و یمن، عملاً در وضعیت نه جنگ و نه صلح قرار دارد. امنیت مکاران به این رژیم برنگشته و شهرک‌نشین‌ها حاضر نیستند به محل زندگی خودشان برگردند. این نشان می‌دهد که گرفتاری‌های داخلی نتانیاهو همچنان ادامه دارد.»

سفیر پیشین ایران در باکو، درباره صحبت‌هایی که راجع به حمله پیش‌دستانه ایران به اسرائیل مطرح می‌شود، گفت: «سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران عدم‌ورود به جنگ است؛ نه فقط با رژیم صهیونیستی بلکه به‌طور کلی. اگر به بیانیه گام دوم انقلاب نگاه کنیم، رهبر معظم انقلاب اشاره می‌کنند که ایران هیچ‌گاه اولین گلوله را شلیک نکرده و همواره در مقابل تجاوزات از خودش دفاع کرده است. شروع جنگ جزو سیاست‌های ایران نیست. من بعید می‌دانم که ما بخواهیم حمله پیش‌دستانه‌ای داشته باشیم، اما در عین حال آمادگی کامل داریم که اگر رژیم صهیونیستی شراتی بکند، با ضربات محکم تلافی کنیم.»

#### سمفونی خطوط

جواد علیزاده

#### عراقچی: تحریم در کنار مشکلات، برکاتی دارد .



#### نگاه کارشناس

## یک ترور و یک مظنون پررنگ

### گمانه‌زنی درباره کشته‌شدن اکرم‌الدین سریع فرمانده افغانستانی در ایران

علی مهدیان

کارشناس امنیت و سیاست خارجی

ترور اکرم‌الدین سریع، فرمانده پیشین پلیس ولایت تخار افغانستان، تنها یک ترور و حادثه امنیتی منفرد نیست؛ به‌ویژه آن که طی چهار ماه گذشته، این سومین ترور در میان افغانستانی‌های مقیم ایران محسوب می‌شود. تکرار چنین حوادثی، اگر جدی گرفته نشود، می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای امنیت شهری به‌خصوص در کلان‌شهرهایی مانند تهران و مشهد به همراه داشته باشد. در بررسی اولیه، پنج سناریو به‌عنوان متهمان بالقوه این ترور مطرح می‌شوند:

**۱ حکومت طالبان:** مظنون‌ه که در شرایط فعلی انگیزه‌ای برای این اقدام تروریستی ندارد، در نگاه نخست، طالبان به‌عنوان حاکم فعلی افغانستان یکی از گزینه‌هاست، اما بررسی شرایط منطقه‌ای این فرضیه را تضعیف می‌کند. طالبان در حال حاضر از سوی گروه‌های سیاسی خارج‌نشین افغانستان تهدید جدی ندارد. این گروه‌ها نه توان عملیات مسلحانه دارند و نه از حمایت مؤثر خارجی برخوردارند. از سوی دیگر، در شرایط تنش طالبان با پاکستان، ایران عملاً یکی از اصلی‌ترین مسیرهای حیاتی ارتباط افغانستان با جهان خارج است و بخش عمده واردات و صادرات این کشور از طریق ایران انجام می‌شود. در چنین شرایطی، انجام ترور یک چهره افغانستانی در خاک ایران، اقدامی پرهزینه و غیرمنطقی برای طالبان به نظر می‌رسد.

**۲ داعش و تکفیری‌ها:**بررسی سوابق اکرم‌الدین سریع در دوران ریاست او بر پلیس تخر نشان می‌دهد که وی درگیری شاخص و تعیین‌کننده‌ای با داعش و گروه‌های تکفیری نداشته است. نبود چنین پیشینه‌ای، انگیزه داعش و تکفیری‌ها برای اجرای ترور ایشان در خاک ایران را به‌شدت زیر سؤال می‌برد و معمولاً داعش و تکفیری‌ها اقدامات تروریستی را سریعاً برای بهره‌برداری‌های تبلیغاتی اعلان می‌کنند.

**۳ اختلافات قومی و سیاسی:** فرضیه‌های کم‌ررق، نه در سوابق شخصی و نه

در کارنامه حرفه‌ای اکرم‌الدین سریع، نشانه‌ای از اختلافات قومی، قبیله‌ای یا انتقام‌های شخصی دیده نمی‌شود. همچنین، او فردی مداراگر شناخته می‌شد با گروه‌های سیاسی رقیب نیز تنش جدی نداشت. از این منظر، این دو گزینه در میان پنج سناریوی مطرح، ضعیف‌ترین احتمال‌ها محسوب می‌شوند.

**۴ سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه:** گزینه‌ای که پررنگ می‌شود، اما آنچه این ترور را از یک پرونده معمولی جدا می‌کند، نقش و جایگاه اکرم‌الدین سریع پس از ورود به ایران است. او برخلاف انتظار، دعوت کشورهایی مانند انگلستان، آلمان و حتی آمریکا را نپذیرفت و تصمیم گرفت در ایران بماند. تمرکز اصلی فعالیت‌های او، رسیدگی به وضعیت ده‌ها هزار نظامی سابق افغانستانی مقیم ایران بود؛ جمعیتی که برآورد می‌شود بیش از ۵۰ هزار نفر باشند. اکرم‌الدین سریع در این مسیر، همکاری نزدیکی با دستگاه‌های سیاسی، امنیتی و انتظامی ایران داشت و تلاش می‌کرد این نیروها تحت کنترل باقی بمانند تا به ابزار جذب و بهره‌برداری سرویس‌های اطلاعاتی خارجی تبدیل نشوند. دقیقاً همین نقش پدرانۀ و سرپرستی، او را به مانعی جدی برای فعالیت سرویس‌هایی مانند موساد، M۱۶ و سازمان سپا بل می‌کرد.

با کنار رفتن تدریجی سناریوهای دیگر، فرضیه دخالت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه‌بیش از سایر گزینه‌ها برجسته می‌شود. ترور اکرم‌الدین سریع را می‌توان نه صرفاً حذف یک فرد، بلکه تلاشی هدفمند برای باز کردن مسیر نفوذ اطلاعاتی در میان بدنه نظامیان سابق افغانستان دانست؛ بدنه‌ای که کنترل و بهره‌برداری از این نیروی بالقوه، برای بسیاری از بازیگران خارجی اهمیت راهبردی دارد. بی‌توجهی به این الگو، می‌تواند هزینه‌ای به مراتب سنگین‌تر از یک ترور منفرد برای امنیت داخلی ایران به همراه داشته باشد. بر دستگاه‌های چندگانه اطلاعاتی و امنیتی ایران واجب است که این پرونده را تا رسیدن به نتیجه نهایی پیگیری کنند تا هم تروریست‌ها را به مجازات برسانند و هم انگیزه‌ها و اهداف پشت پرده آن روشن شود و با اطلاع‌رسانی به مردم از رواج شایعات و جنگ روانی جلوگیری نمایند.